دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال هجدهم/ شماره ۳۲/ پاییز و زمستان ۱۴۰۵

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, 18 No.32, Autumn & Winter 2026

وظیفه دولت در تأمین آزادی ملّت در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

□ محمدموسی حمیدی *

چکیده

این مقاله با هدف تبیین وظیفه دولت در تأمین آزادی ملّت در بیانیه‌ی‌گام دوم انقلاب اسلامی با روش توصیفی- تحلیلی، نگارش یافته و یافته‌های آن نشان می‌دهد آزادی مردم عطیّه‌ی خدای سبحان به آنان به خاطر پیمودن راه حق و کمال است. در نظام الهی همه‌ی مردم، حقّ اندیشیدن، تصمیم‌گرفتن، و عمل‌کردن دارند و موظّفند به تأمین آزادی تا درخلال اندیشه‌ها، عقیده‌ها و انگیزه‌های‌گوناگون، صراط مستقیم را بپیمایند. با توجه به بیانیه‌ی‌گام دوم، آزادی مردم در تقابل با اخلاق، حقوق عمومی و ارزشهای الهی نمی باشد. مبنای آزادیِ مردم توحید عبادت و اطاعت است. بنابر اصل توحید عبادی، مردم حق ندارند بنده‌ی هیچ‌کس و هیچ چیز جز خدای تعالی باشند. وظیفه دولت اسلامی تأمین آزادی برای مردم و حراست از آن می‌باشد. دولت به فرمان خدای تعالی وظیفه دارد، بندها و زنجیرهای اطاعت دشمنان خدا را از دست و پای مردم بردارند و در این راه با موانع آزادیِ ملّت مبارزه و مجاهدت نمایند تا مردم از بردگی حزب شیطان و جهنم سوزان رهائی یافته به بندگی خدای سبحان و بهشت رضوان نایل شوند.

کلیدواژه‌ها: بیانیه‌ی‌گام دوم، وظیفه دولت، توحید اطاعت، آزادی مردم مقدمه.

برای اینکه بستر مناسب در ذهن ایجاد گردد و تبیین وظیفه دولت درآزادی ملّت با توجه به بیانیه‌ی‌گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس تصور درست کلمات و فهم دقیق مسائل اساسیِ آن شکل بگیرد، نخست لازم است، مسائل اصلی و معانی لغوی و اصطلاحی قصد شده و نیز ریشه و پیشینه‌ی آن روشن گردد.

* دانش آموخته دکتری فقه تربیتی جامعة المصطفی ﷺ العالمیه افغانستان (hamidimohammadmosa@qmail.com).

۱. بیان مسأله

براساس جهان‌بینی توحیدی، جهان و انسان را خداوند آفریده است و چون خدا حکیم است آنها را برای هدف و مقصدی آفریده، و آن هدف؛ نیل انسان به کمال است. سراسر هستی، از گردش ستارگان و چرخش منظومه‌ها و کهکشان‌ها تا وزش بادها و رویش گیاهان و جنبش ذرات اتم، همه و همه تحت ربوبیت و ولایت الهی به سوی غایت و هدف خود رهسپار می‌باشند. افراد بشر همه، بندگان خدای تعالی و پوینده به سوی اوست. امیال فطریِ بشر با اینکه به امور مختلفی تعلق می‌گیرند ولی ارضای کامل و نهائی آنها در یک چیز خلاصه می‌شود و آن؛ اتصال به معدن عظمت و علم و قدرت می‌باشد.

همه‌ی انسان‌ها تحت تأثیرجاذبه‌ها وکشش‌های ماورای مادی قرار دارند و به صورت فطری به خیر محض و کمال مطلق گرایش دارند؛ شیء ملایم با خویش را جذب می‌کنند و چیزی منافی با خود را دفع می‌کنند. اما برخی انسان‌ها تحت تأثیرجاذبه‌ها و کشش‌های جریان‌های مادی فاسد و نفوذ دشمنانی قرار دارند که آن‌ها را به انحراف و سقوط می‌کشانند؛ مانند شیطان و طاغوت که بردگی و ذلّت انسان‌ها و نابودی دین و خاموشیِ نور الهی را می‌طلبند. رسول خدا۹ می فرماید:"ای مردم! همانا خدا است و شیطان، حق است و باطل، هدایت است و گمراهی، راه راست و رشد است و کجی، دنیا است و آخرت، حسنات و سیئات، پس هر چه حسنات است از خدا است و هرچه سیئات است از شیطان که لعنت خدا بر او باد!" (کلینی،۱۳۷۵: ج۲، ص۵۱).

سیئات و نفوذ شیطان و طاغوت به عرصه‌ی خاصی از زندگی مردم محدود نمی‌شوند. امام خامنه‌ای می‌فرماید:" انسان‌ها باید با آیین خدا زندگی کننـد، این یک امرِ طبیعی و مطابق با سرشت انسان‌هاست، اگرکسی انسان‌ها را جوری بار بیاورد، کاری بـا آن‌ها بکند، تصرفی روی آن‌ها انجام بدهد که اینها با آیین غیر خدا زندگی بکنند، این آدم طاغوت اسـت ... هر عنصری‌که از خارجِ از وجود آدمی، او را به کارهای شرارت آمیز و به کارهای فسادآمیز، به انحطاط، به پستی، به زبونی، به ظلم، به بدی، به کجی وا می‌دارد؛ به او می‌گویند شیطان ... در قرآن‌کریم، هر ولایت غیر خدایی، ولایت شیطانی و طاغوتی است ... اگر تن به ولایت شیطان دادی، شیطان بر تمام انرژی‌های سازندهٔ خلاق آفرینندهٔ ثمربخش وجود تو مسلط خواهد شد. اولش این است، اگر چنانچه گردنت

را بردی طرف شیطان و طاغوت، که ریسمان ولایتش را برگردن تو بیندازد، دیگر از دست او خلاصی پیدا نخواهی کرد. هرچه در وجود تو، از نیرو و از ابتکار و از فعالیتهای سازنده و از جلوه‌های درخشنده وجود دارد، تحت قبضهٔ طاغوت و شیطان درخواهد آمد وقتی که تو تمام وجودت در قبضهٔ او درآمد، آنوقت او به آسانی می‌تواند تو را در همان راهی‌که خودش می‌خواهد، به همان جایی‌که خودش می‌خواهد، با همان وسیله ای‌که خودش می‌خواهد، بکشاند و ببرد..." (خامنه ای،۱۳۹۹: ص۷۶۵-۷۷۲).

در مقابل ولایت و حکومت شیطانی و طاغوتی، ولایت و حکومت اسلامی قرار دارد. امام خامنه‌ای می‌فرماید:" اسلام، حکومت را با تعبیر«ولایت» بیان می‌کند ... ولایت به معنای پیوستگی است ... خدا ولیّ مؤمنین است، یعنی خدا و مؤمنین در یک صفند. دشمنان خدا در صف دیگر ... ولایت یک انسان، پیوستگی و وابستگی مطلق اوست به ولی... اگر جامعه ای دارای ولایت شد، چه می‌شود؟ خوب است در یک کلمه بگویم: مرده ای است که دارای جان خواهد شد ... هروقتی که امام در جامعه حکومت می‌کند، آنوقتی که امام منشأ امر و نهی در جامعه می‌شود، آنوقتی که همهٔ رشته‌ها از امام ناشی می‌شود، آن وقتی‌که امام دارد عملاُ جامعه را اداره می‌کند، آنوقتی‌که پرچم جنگ را امام می‌بندد، آنوقتی که فرمان حمله را امام می‌دهد، آنوقتی که قرارداد صلح را امام می‌نویسد، آنوقت جامعه، جامعهٔ دارای ولایت است ..." (خامنه ای،۱۳۹۹: ص۷۲۶-۷۲۹؛ بینات:/ ۳/ ۲/ ۱۳۷۶).

در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. دولت اسلامی به تبع وحی و فرمان الهی، ارزشهای اسلامی از جمله آزادی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. در بیانیه‌ی‌گام دوم به وظیفه دولت در تأمین آزادی مردم این‌گونه اشاره شده است:"آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان ... و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل‌کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه ... از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دواند ... آزادی، اخلاق، معنویّت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیّت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر

افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّرکرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها" (بیانیه‌ی‌گام دوم انقلاب:۲۲/ ۱۱/ ۱۳۹۷).

به این ترتیب، سئوال پژوهش عبارت است از: وظیفه دولت درآزادی ملّت چیست؟.کتب و مقالات منتشرشده دراین موضوع گرچه به تبیین آزادی و آثارآن، پرداخته ولی کمتر به تبیین وظیفه دولت درآزادی ملّت با توجه به بیانیه‌ی‌گام دوم انقلاب توجه‌کرده‌اند.آثاری به صورت مستقل، جامع و نظام مند، دراین باره، یافت نشد، دریافتن پاسخ، اطلاعات لازم با محوریت بیانیه‌ی‌گام دوم انقلاب و دیگرآثار امام خامنه‌ای گردآوری می‌شود و با رویکرد درون دینی و روش توصیفی- تحلیلی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱،۲. وظیفه

کلمة «وظیفه» در لغت به معنای تقدیر و اندازه گیری چیزی است؛ مانند تقدیر روزانة طعام و روزی و عمل (فراهیدی۱۴۰۹: ج۸، ص۱۶۹). به چیزی که اجرای آن، شرعاً یا عرفاً بر عهدة کسی باشد وظیفه گفته می‌شود(دهخدا، ۱۳۴۶: ج۱۵ص۲۳۲۱۱). اجرای وظیفه و رعایت حق چون در نظام حقوقی اسلام به حکم خداوند است، تکلیف نامیده می‌شود(حکمت نیا، ۱۳۹۰: ص۴۸). کلمة «تکلیف» در لغت به معنای طلب امری دشوار است (ابن منظور،۱۴۱۳: ج۹، ص۳۰۷) تکلیف در فقه، خطاب شارع به انجام دادن یا ترک کاری و یا تخییر بین آن دو، می‌باشد (هاشمی، ۱۴۲۶، ج۲، ص۶۰۹).

خطاب شارع، جهانی و جاویدانی است؛ شامل همه مردان، زنان، کافران، مؤمنان، عالمان، جاهلان، حاضران و غایبان می‌شود(عراقی،۱۴۱۷: ج۲، ص۵۳۶-۵۳۸). مدلول خطاب شارع، حکم شرعی است. حکم در لغت به معنای منع از ظلم و جور است (فراهیدی۱۴۰۹: ج۳،ص۶۶.). حکم شرعی در فقه، تشریع و قانونی است که خدای تعالی برای تنظیم و ساماندهی زندگی بشر وضع و صادرکرده است(صدر،۱۴۰۸: ج۱، ص۱۳).حکم شرعی به فعل مکلّف تعلّق می‌گیرد و به تکلیفی

(وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و اباحه) و وضعی؛ مانند زوجیت و ملکیت تقسیم می‌شود (آخوند۱۴۰۹: ص۳۲۵).

به این ترتیب، مقصود از وظیفه دولت درآزادی ملّت تکلیف الهی دولت در تحقق آزادی برای مردم می‌باشد.

۲،۲. دولت

کلمة «دولت» در لغت به معنای ثروت و مال است و در اصطلاح سیاسی، به معنای حکومت، سلطنت، هیئت حاکمه، و قوة مجریه می‌باشد(دهخدا،۱۳۴۶:ج ۸ص۱۱۲۷۰). امام خامنه‌ای می‌فرماید:"در زبان عربی و زبانهای دیگر، برای این پدیده‌ای که اسمش حکومت و زمامداری و حکمرانی است - یعنی کسی یا جماعتی که بر یک جامعه حکومت می‌کند و فرمان میراند - تعبیرات گوناگونی آورده شده است که هر یک از این تعبیرات، اشاره به جهت خاصی است. مثلاً تعبیر حکومت، اشاره به این دارد که آن کسی که در رأس قدرت است، یا آن جماعتی که در رأس قدرتند، حکم می‌کنند و جامعه و افراد مردم، حکم و فرمان آنها را اطاعت می‌کنند. یک تعبیر دیگر، تعبیر سلطنت است که به معنای مسلّط بودن و مقتدر بودن و امور را در سلطه خود درآوردن است ... اسلام، حکومت را با تعبیر«ولایت» بیان میکند ... ولایت، یعنی حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسته‌اند؛ به او علاقه‌مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد" (بیانات:/ ۳/ ۲/ ۱۳۷۶؛۶/ ۱/ ۱۳۷۹).

دولت اسلامی از شؤون ولایت خدای سبحان است. علامه مصباح می‌فرماید:"حکومت، یکی از شؤون ولایت اللّه است ... ولایتی که در این روایت:"بُنِیَ الإسلامُ عَلی خَمس: الولایةُ ... وَلَم ینادِ بِشیء مَا نُودیَ بالولایةِ یوم الغَدیرِ" (مجلسی،۱۴۰۸، ج ۶۸، ص۳۳۲) مطرح شده، نه فقط به معنای دوست داشتن که به معنای پذیرفتن حقّ حاکمیت و حکومت الهی است؛ حقّی که پس از خداوند برای پیامبر اکرمﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام و نایبان و والیان ایشان، به اذن خداوند ثابت است ... بنابراین، ولیّ امر مسلمین کسی است که دارای ارتباط نزدیک و محکم با مردمی است که در امور

اجتماعی، بدون هیچ فاصله‌ای پشت سر او حرکت می‌کنند و از او اثر می‌پذیرند" (مصباح، ۱۳۸۳ ص ۲۹۰-۲۹۱؛ ۱۳۸۴، ص۹۸-۹۹).

ولایت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام نماد و الگوی دولت اسلامی است. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"آن چیزی که در طول زمان، به صورت یک جریان باقی می‌ماند و افراد بشر می‌توانند از آن درس بگیرند و زندگی و آینده خودشان را با آن تطبیق دهند، مضمونی است که در حادثه غدیر وجود دارد ... مسئله‌ی غدیر این است؛ یعنی نشان‌دهنده‌ی جامعیت اسلام و نگاه به آینده و آن چیزی که در هدایت و زعامت امت اسلامی شرط است. آن چیست؟ همان چیزهایی که شخصیت امیرالمؤمنین، مظهر آنهاست: یعنی «تقوا»، «تدین»، «پایبندی مطلق به دین»، «ملاحظه‌ی غیر خدا و غیر راه حق را نکردن»، «بی‌پروا در راه خدا حرکت کردن»، «برخورداری از علم»، «برخورداری از عقل و تدبیر»، «برخورداری از قدرت عزم و اراده»؛ این یک عمل واقعی و در عین حال نمادین است ..." (بیانات:۳/ ۶/ ۱۳۹۵؛۱۸/ ۱۰/ ۱۳۸۵).

به این ترتیب، مقصود از دولت، حکومت اسلامی؛ ولایت رسول خدا‌صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌ی هدی‌علیهم‌السلام و نایبان و والیان ایشان می‌باشد.

۳،۲.آزادی ملّت

معادل کلمة «آزادی»، «حُرّیت» است:"الحُرّ: نقیض العبد. الحُرِّیة من الناس: خیارهم و الحُرُّ من کل شیء أعتقه" (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج۳ص۲۴). علامه طباطبایی می‌فرماید:"انسان به حکم فطرتش نسبت به فعل و ترك مطلق العنان است و این انتخابش نه در طرف فعل و نه در طرف ترك مقید به هیچ قیدی و معلول هیچ علتی غیر از انتخاب خودش نیست و این است معنای اینکه می‌گوییم انسان تکویناً و به حسب خلقتش موجودی است آزاد. لازمه این آزادی، آزادی تشریعی است که از میان انواع طرقی که برای زندگی اجتماعی هست طریق دلخواه خود را انتخاب کند و هر جور که دلش می‌خواهد عمل کند و احدی از بنی نوع او حق ندارد بر او استعلاء یافته و او را برده و بنده مطیع خود کند و اراده و عمل او را مالك گشته هوای دل خود و خواست خود را بر خلاف میل او بر او تحمیل کند برای اینکه افراد این نوع، همه مثل هم

هستند هر حق و مزیت که این دارد غیر این نیز دارد ... این وضع انسان است نسبت به نوع خود و اما نسبت به علل و اسبابی که این طبیعت و سایر طبیعت‌ها را به انسان داده هیچ حریت و آزادی در قبال آن ندارد زیرا آن علل و اسباب، مالك و محیط به انسان از جمیع جهاتند و انسان‌ها چون موم در دست آن علل و اسبابند" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص۳۷۰-۳۷۳).

امام خامنه‌ای می‌فرماید:"مسأله «آزادی» یکی از مقولاتی است که در قرآن‌کریم و در کلمات ائمّه علیهم‌السّلام به‌طور مؤکّد و مکرّر روی آن تأکید شده است ... حضرت موسی به فرعون می‌گوید که:«**وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّها عَلَى أَنْ عَبَّدْتَ بَنی إِسْرائيلَ**» (شعراء:۲۲)؛ که این را هم قرآن نقل می‌کند. این منتی است سر من می‌گذاری که بنی‌اسرائیل را برده‌ی خودت کرده‌ای، آزادی آنها را سلب کردی؟!... بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، هزار سال قبل از طرح مسئله‌ی آزادی درکشورهای غربی مثل فرانسه یا جاهای دیگر است که می‌فرماید:«**لا تَكُن عَبدَ غَيرِكَ وَ قَد جَعَلَكَ اللهُ حُرّا**» (نامه:۳۱)؛از این روشن‌تر دیگر چه می‌شود؟ یعنی انسانها حُرّند، آزادند؛ آزادی شامل همه‌ی انواع آزادی می‌شود ... می‌فرماید: «**أَلَا حُرٌّ يدَعُ هَذِهِ‌اللُّمَاظَةَ لِأَهْلِهَا**» - این آزادی است - آیا آزاده‌ای نیست که این متاع پست را جلوی اهلش بیندازد؟ ...بعد می‌گوید:«**إِنَّهُ لَيسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا**» (حکمت:۴۵۶)؛ معلوم می‌شود که برای آن لماظه می‌خواستند قیمت بپردازند؛ یعنی آن لماظه را می‌دادند که نفْسِ این را ببَرند، هستی این را ببَرند، هویت و شخصیت این را ببَرند؛ بحث معامله در کار بوده، از آن معامله نهی می‌کند. اگر بناست معامله کنید، چرا نفستان را در مقابل این لماظه می‌دهید؟ فقط در مقابل بهشت و عبودیت خدا بدهید ... آزادیِ اسلامی یعنی آزادی از غیر خدا" (بیانات: ۱۲/ ۶/ ۱۳۷۷؛ ۳/ ۱/ ۱۳۹۹؛ ۲۳/ ۸/ ۱۳۹۱؛۱۹/ ۱۰/ ۱۳۶۵).

به این ترتیب، مقصود از آزادی ملّت، آزادی مردم از همه‌ی انواع بردگی و بندگی غیرخدای سبحان می‌باشد.

مبنای آزادی ملّت

برای تبیین وظیفه دولت درآزادی ملّت لازم است اول مبنای آن روشن گردد. مبنای آزادی ملّت

توحید عبادت و اطاعت است. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، توحید است ... قرآن خطاب به اهل کتاب این پیشنهاد را در زمان پیغمبر مطرح می‌کند:«"**قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ**" (آل عمران:۶۴)؛ ای اهل کتاب، ای یهود و نصاری، بیائید بر یک کلمه با هم توافق کنید و آن این است که:«أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ»، به غیر خدا هیچ کسی دیگر را عبادت نکنید ... با جمله‌ی دیگری عبودیت خدا را روشنتر می‌کند:«وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً»؛ هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید. یعنی شما اگر از عاداتِ بی‌دلیل پیروی کنید، این برخلاف توحید است؛ از انسانها پیروی کنید، همین جور است؛ از نظامهای اجتماعی پیروی کنید، همین جور است – آنجائی که به اراده‌ی الهی منتهی نشود – همه‌ی اینها شرک به خداست، و توحید عبارت است از اعراض از این شرک ... این معنایش همان آزادی است. یعنی شما از همه‌ی قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید ... باز مطلب را در صحنه‌ی زندگی روشنتر و عینی‌تر می‌کند:«**وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ**» (آل عمران:۶۴)؛ هیچ کدام از ما آن دیگری را پروردگار خودمان و ارباب خودمان و سرور خودمان نگیریم، مگر خدا؛ یعنی فقط سرور همه‌ی ما خدا باشد و بس!" (بیانات:۲۶ / ۱/ ۱۳۷۱؛۲۳/ ۸/ ۱۳۹۱).

کلمة «توحید» از مادة«و. ح. د» مصدر باب تفعیل در لغت به معنای یکی قراردادن و یکتا دانستن است(مدنی، ۱۳۸۴:ج۶، ص۳۰۷). امام خامنه‌ای می‌فرماید:"توحید در هر دینی و در دعوت هر پیغمبری معنایش این است که انسان باید از غیر خدا – چه آن غیر خدا یک شخص باشد، مثل فرعونی، نمرودی؛ چه غیر خدا یک تشکیلات و یک نظام باشد، یک نظام غیر الهی؛ چه غیر خدا یک شیء باشد؛ چه غیر خدا هواها و هوسهای خود او باشد؛ چه غیر خدا عادتها و سنتهای رایج غیر الهی باشد – و از هرچه غیر خداست، اطاعت و عبادت نکند و فقط از خدای متعال اطاعت کند. اطاعت از خدا به این معناست که احکام الهی را عمل کند؛ نظامی را که الهی است و متکی بر تفکر الهی است، قبول کند؛ رهبر و زمامداری را که ارزش‌های الهی را دارد، رهبر و زمامدار بداند، از او اطاعت کند؛ پیامبری را که از سوی پروردگار می‌آید، واجب‌الاطاعه بداند؛ ولیّ امری را که خدا معین کرده، مورد قبول بداند و اطاعت کند و در همه‌ی حرکات و رفتار در این چهارچوب فقط زندگی کند و از غیر این چهارچوب هیچ اطاعتی نکند؛ فقط بنده‌ی خدا باشد" (بیانات:۹/ ۱۱/ ۱۳۹۷؛۱۹/ ۱۰/ ۱۳۶۵).

برای درک روشن‌تر از مبنای آزادی ملّت، لازم است رابطه‌ی بین ربّ و عبد روشن گردد.کلمة«ربّ» در لغت به معنای مالک است و به طور مطلق جز برای خدای تعالی گفته نمی‌شود(فراهیدی،۱۴۰۹: ج۸، ص۲۵۶). امام خامنه‌ای می‌فرماید:"ربّ چیزی یعنی آن‌کسی که تدبیر این چیز در دست اوست، گرداننده و سیاست‌گذار این چیز اوست ... همچنین پرورش‌دهنده رشددهنده، افزایش‌دهنده ... همچنین به معنای مالک و صاحب ... پس رب را هم می‌شود به معنای کردگار و هم می‌شود به معنای پروردگار و هم می‌شود به معنای خداوندگار در فارسی معناکرد» (بیانات:۲۲/ ۱۲/ ۱۳۶۹).

کلمة«عبد» در لغت به معنای مملوک است(ابن فارس،۱۴۰۴:ج۴ ص۲۰۵) امام خامنه‌ای می‌فرماید:"عبد یعنی بنده، شاید این جور استفاده شود که عبادت از آن مصدرهائی است که از عبد گرفته شده و بندگی از بنده گرفته شده است کما اینکه ترکیب بندگی هم شاید ابتدا نشان دهد بنده یعنی آن موجودی که در بند یک کسی یا یک چیزی است و بندگی یعنی در بندکسی و چیزی بودن در اختیارکسی یا چیزی بودن ... تعبیر رابطه بین خدا و انسان در بسیاری از ادیان آسمانی و در اسلام همین تعبیر بندگی است بندة خدا، بنده خدا یعنی تسلیم خدا و خدا منشاء همه خیرات است. بنده خدا بودن یعنی بنده کمال و خیر و نور مطلق بودن...لااله‌الّاالله، یعنی من فقط یک معبود دارم؛ نه پول را عبادت می‌کنم، نه مقام را عبادت می‌کنم، نه امپراتور را عبادت می‌کنم، نه فرعون را عبادت می‌کنم. عبادت هم صرفاً این نیست که انسان تقدیس بکند طرف را؛ نه، ممکن است اصلاً قبول هم نداشته باشد در دلش آن را، امّا عبادتش بکند! عبادت یعنی اطاعت کردن با همه‌ی وجود ... علت اینکه ما باید خدا را عبادت و بندگی کنیم این است که می‌فرماید:«**اعْبُدُوا رَبَّكُمُ**» (بقره:۲۱) نمی‌گوید: اعبدوالله و می‌گوید: پروردگارتان، یعنی، آن کسی که تدبیرکننده‌ی وجود شما وگردانندگیِ نظام هستی در اختیار اوست، او را باید عبادت کنید!" (بیانات:۲۶/ ۱/ ۱۳۷۱؛۹/ ۱۱/ ۱۳۹۷؛۲۱/ ۱/ ۱۳۷۰).

وظیفه دولت در تأمین آزادی

توحید عبادت به عنوان مبنای آزادی ملّت، ایمان به حاکمیت مطلق خدای تعالی برتکوین و

تشریع است. بنابر اصل توحید، دولت و نظام اسلامی موظف و متعهد است که در تحقق آزادی برای مردم با حرکت نظام جهان هستی در اجابت دعوت و امرخدای سبحان، هماهنگ گردیده؛ مردم را به طرف خدای سبحان و بهشت رضوان رهنمون شود. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"من همیشه نظامهای اجتماعی را به تورهای ماهی‌گیری مثال می‌زدم که گاهی در میان خود هزاران ماهی را می‌کشانند به یک سمت خاصی و آن ماهیان خودشان متوجه نیستند که با همان حرکت تور، دارند به یک طرفی کشیده می‌شوند و نمی‌فهمند که یک کسی دارد آنها را هدایت می‌کند در داخل تور، آنها خیال می‌کنند آزادند و دارند راه می‌روند، هیچ احساس اسارت هم نمی‌کنند. نظام‌های اجتماعی هم این چنین‌اند، حتی نظام صحیح هم به یک معنا همین‌طور است، اگر چه او دیگر اسارت نیست چون در او آگاهی و بینایی هست، نظام مستند به خدا و بندگی بالاخره بندگیِ خداست، اما هر نظام اجتماعی این خصوصیت را دارد، انسانها در نظام اجتماعی داخل یک تور نامرئی هستند و دارند کشانده می‌شوند به یک طرفی اگر چنانچه آنها را به طرف بهشت ببرند، انسانها به طرف بهشت می‌روند، و اگر به طرف جهنم ببرند، انسانها دارند به طرف جهنم کشانده می‌شوند" (بیانات:۲۶/ ۱/ ۱۳۷۱).

وظیفه دولت در آزادی ملّت با توجه به مبنای آن، در دو محور قابل بررسی و تبیین است: الف. تأمین آزادی؛ ب. حراست از آزادی

۱. تأمین آزادی

وظیفهٔ دولت در تأمین آزادی مردم در درجه اول این است که خود از زنجیراطاعت غیرخدای سبحان آزاد گردد و به آزادی مردم نیز ایمان و تعهد داشته باشد. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"ایمان انسـان بر دوش انسـان تعهدی می‌گذارد، انجام آن تعهد، عمـل صالح است ... عمل صالحی که در اسلام از یك مسئول نظام سیاسی خواسته شده است، رفتار دینی است ... درجامعه‌ی اسلامی، حکومت سلطنتی معنا ندارد، حکومت شخصی معنا ندارد، حکومت زَر و زور معنا ندارد، حکومت اشرافی معنا ندارد، حکومت تکبّر بر مردم معنا ندارد، حکومت امتیازخواهی و زیاده‌خواهی و برای خود جمع کردن و افزودن معنا ندارد، حکومت شهوت‌رانی معنا ندارد

... بنای ولایت الهی، بر هضم شدن در امر و نهی پروردگار است؛ درست نقطه مقابل سلاطین مادّی و حکومت‌های بشری ... حاکمیت الهی از این‌جا شروع می‌شود: اوّل دلمان را بنده‌ی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نماییم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «اللّه» بر کلّ فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم ..." (خامنه‌ای۱۳۹۹: ص۱۱۳-۱۶۷؛ بیانات: ۲/ ۱/ ۱۳۸۳؛۱۳/ ۶/ ۱۳۷۸؛ مکتوبات:۶/ ۷/ ۱۳۷۴).

در نظام اسلامی، نگاه جامع حقوقی به روابط دولت و ملّت، صورت گرفته است؛ به گونه ای که مردم با هر نوع ارتباطی که با دولت دارد، حقوقی دارد که باید رعایت شود و اگر این حقوق ادا نشود دولت مرتکب ظلم شده است. امیرمؤمنان۷می‌فرماید:"ای مردم حقّ شما بر من این است که شما را نصیحت کنم و حقوقتان را از بیت المال بپردازم ... با من مثل روبرو شدن با پادشاهانِ جور، حرف نزنید و مثل آنها که با انسانهای خشمگین برخورد می‌کنند از من کناره نگیرید و با چاپلوسی و ظاهر آرایی با من مواجه نشوید و فکر نکنید که من از شنیدن حرف حق ناراحت می‌شوم ... نگرانی من از این جهت است که آدمهای نادان و فاسق زمام امور این امت را به عهده بگیرند در نتیجه مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردهٔ خود کنند و با بندگان صالح خدا به ستیز برخیزند و بدکاران را یاوران خویش قرار دهند ...آنچه از شما برای ما لازم است که اجرا کنیم، عمل به کتاب خداوند تبارک و تعالی و سیره رسول اللّهﷺ و برپایی حق آن گرامی و ارج نهادن سنت اوست ... و اینکه هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، مگر در جنگ ... " (نهج البلاغه،۱۴۱۴:خطبه:۱۳۱؛ نامه:۲۵؛ خطبه:۲۱۶؛۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص۲۱۷).

امام خامنه‌ای در بارهٔ سنت و سیرهٔ رسول خدا۹در تأمین آزادی برای مردم می‌فرماید:"درباره‌ی شخصیت پیغمبر و یاران پیغمبر این آیه است:«**وَ یضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ**» (اعراف:۱۵۷)؛ بندها را از پای آنها برمی دارد «وَ الْأَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیهِم»؛ آن غل‌هائی که به پای آنهاست و سنگینی می‌کند و مانع از تحرک انسان می‌شود، مانع از پرواز آدمی می‌شود، مانع از اوج گرفتن انسان و تکامل انسان می‌شود، اینها را از گردن و پای انسان باز می‌کند ... اگر وضع جوامع دینی و غیردینی در آن دوره را در نظر داشته باشید، میدانید که این «اصر» – این تعهّدات و پیمانهای تحمیلی بر انسانها – شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری

از قیود اجتماعی غلطی که دستهای استبداد یا تحریف یا تحمیق بر مردم تحمیل کرده بود، می‌شود ... . «اصر» به معنای آن ریسمانهائی است که پایه‌ی خیمه را به وسیله‌ی او با میخ‌ها می‌کوبند به زمین، که تا آن ریسمانها به خیمه بسته است، این خیمه تکان نمی‌تواند بخورد؛ به پای انسانها آنقدر از این ریسمانها بسته‌اند، آنقدر او را چهارمیخه کرده‌اند در زندگی که انسان تکان نمی‌تواند بخورد در نظامهای طاغوتی. انواع و اقسام تحمیلها، انواع و اقسام تبعیضها، انواع و اقسام محدودیتها، انواع و اقسام تلقین‌ها و تزریقهائی که امروز به صورت مدرن در دنیا مطرح است و انسانها را به صورت یک حیوان در می‌آورد ... اسیر تمایلات پست مادی، اسیر ظلم‌ها، اسیر تبعیض‌ها، اسیر تلقین‌های پست کننده، اسیرخفتها، ذلتها ... پیغمبرها وقتی وارد جامعه می‌شوند، اولین کارشان این است که غلها را، زنجیرها را ازگردن این زندانی بازکنند" (بیانات:۱۴/ ۹/ ۱۳۶۵؛ ۱۲ / ۶/ ۱۳۷۷).

وظیفهٔ دولت در تأمین آزادی مردم در سه محور قابل بررسی و تبیین است: الف. تأمین آزادی عقیده؛ ب. تأمین آزادی معنوی؛ ج. تأمین آزادی بیان.

۱،۱. تأمین آزادی عقیده

امام خامنه‌ای می‌فرماید:"اگرکسی در جامعه‌ی اسلامی عقیده‌ی غیر اسلامی داشت، اما عقیده‌ای که او را امر به مخالفت و معارضه‌ی با نظام اسلامی نمی کند، دارا بودن آن عقیده اشکالی ندارد. لذا در جامعه‌ی اسلامی یهودیان، مسیحیان، زردشتیان، صابئیان و دیگر مذاهب که مسلمان نیستند، زندگی می‌کنند، از حقوق خودشان استفاده می‌کنند ... «این عقیده آزاد هست» بدین معناست که آیا اسلام موافق و راضی است به اینکه کسانی به غیر عقیده‌ی حق باشند؟ قهری است که نه. «آزاد است» یعنی مؤاخذه‌ای دنبال این کار نیست؛ مجازاتی نمی کنند ... ممکن است کسی بگوید اگر اسلام آزادی عقیده را در جامعه‌ی خود تأمین می‌کند، پس این همه آیات قرآنی درباره‌ی این عقاید باطل چیست؟ جواب این است که این آیات هیچ کدام – تا آن‌جائی که بنده مراجعه کردم – به مسلمان‌ها دستور نمی‌دهد که کافر را به خاطر اعتقادش، نه به خاطر عملش، مورد تعرض و آزار قرار بدهند. جنگ با کفار مربوط

است یا به آن صورتی که کافر علیه نظام اسلامی و ایمان اسلامی دست به مبارزه و حمله زده است که وظیفه‌ی اسلام و مسلمین در اینجا دفاع از حوزه‌ی اسلام و جامعه‌ی اسلامی است یا مربوط است به مبارزه با سران کفر و سردمداران نظام‌های ملحد و طاغوتی که ملتها را اسیر خود کرده‌اند" (بیانات:۱۷/ ۱۱/ ۱۳۶۵؛۱۵/ ۱۲/ ۱۳۶۵).

۲،۱. تأمین آزادی معنوی

امام خامنه‌ای می‌فرماید:"یک آزادی دیگری وجود دارد که می‌توان آن را آزادی معنوی دانست و آن، آزادی از چنگ عوامل درونی‌ای است که مانع عمل آزاد ما در جامعه می‌شود، یا مانع آزاداندیشی ما در جامعه می‌شود؛ مثل ترس از مرگ، ترس از گرسنگی، ترس از فقر ... تمایلات نفسانی، خودخواهی ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه با این دشمن، به وسیله شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است ... اگر این تربیت الهی نباشد و عزم و اراده‌ای را که انسان برای پیمودن راه خدا با آن، احتیاج دارد از دست بدهد و خود را در دست هواها و هوسهای بشری رها کند، در حدّ حیوانیّت باقی خواهد ماند و حیوانی خطرناکتر از حیوانهای دیگر خواهد شد. همان‌طور که در طول تاریخ انسانیّت ملاحظه کرده‌اید، چه انسانصورتهایی با سیرت حیوانات پیدا شدند که افراد بشری را از سلوک در راه خدا بازداشتند ..." (بیانات:۲۸/ ۱۰/ ۱۳۷۷؛۲۸/ ۲/ ۱۳۸۰؛۲۳/ ۸/ ۱۳۹۱).

۳،۱. تأمین آزادی بیان

امام خامنه‌ای می‌فرماید:

> مسئله فقط این نیست که بیان کردن مجاز است، بلکه بالاتر از این، بیان نکردن حرام است. یک جاهائی باید بیان کرد؛ آنجاهائی که کتمان حقیقت علیه مصالح نظام اسلامی است، علیه منافع رشد فکری جامعه است، آنجا بیان واجب است، کتمان حقیقت حرام است و این تضمین واقعی بقای نظام برخط اسلام است. یعنی اگرمصالح نظام اسلامی و مصالح مسئولین، مصالحی که ارتباط به اسلام دارد، نه

مصالح شخصی‌شان، آنقدر مهم است که یک جاهائی بیان کردن را غیر مجاز می‌کند، اما همین نظام، همین دستگاه، همین مسئولین، اگر قرار شد از خط اسلام منحرف بشوند، اگر بنا شد که راه را عوضی بروند، اگر سرنوشت نظام اسلامی تهدید به انحراف از مبانی اسلامی شد، اینجا تکلیف چیز دیگری می‌شود، اینجا بیان کردن واجب است، امر به معروف و نهی از منکر لازم است، نصیحت لائمة المسلمین لازم است و افشای حقایق برای مردم لازم است که مجموعه‌ی اینها نظر اسلام را در باب بیان و آزادی اظهار عقیده روشن می‌کند" (بیانات:۱۸/ ۲/ ۱۳۶۶).

۲. حراست از آزادی

حراست از آزادی ملّت با مجاهدت و مبارزه مستمر با موانع، آسیب‌ها و دشمنان آزادی ممکن و میسور می‌باشد. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"مبارزه یعنی تلاش پُرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن ... جهاد یعنی مبارزه ... جهاد برای این است که انسان‌ها را از بردگی بندگان به عبودیت خدا سوق بدهند؛ از اطاعت و فرمانبری بندگان و نظام‌های ساخته‌ی دست بندگان به اطاعت خدا بکشانند؛ از ولایت و حاکمیت و سرپرستی بندگان و انسان‌های ضعیف که خودشان برده‌ی هوا و هوس و شهوت و غضب خودشان هستند، انسانها را خارج کنند و به ولایت‌اللّه و سرپرستی خدا ببرند ... جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان است، گاهی با حضور در پای صندوق رأی است؛ این می‌شود جهاد فی سبیل االله؛ و این است که یک ملّت را رشد می‌دهد، طراوت می‌دهد، تازگی می‌دهد، امید می‌دهد و یک ملّت پیش می‌رود ... در سایه‌ی مجاهدت است که یك ملت می‌تواند خودش را، هویتش را، ناموسش را، افتخاراتش را، تاریخش را، فرهنگش را و استقلال و آزادی‌اش را حفظ کند ..." (خامنه‌ای۱۳۹۴: ص۸-۹؛ ۱۳۹۵:ص۲۸-۲۹؛بیانات:۱۹/ ۱۰/ ۱۳۶۵).

دشمنان آزادی ملّت دوگونه اند:۱.درونی؛ ۲. بیرونی. امام خامنه‌ای می‌فرماید:"افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو سو آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشاء آن ضعفهای بشری و هوسهای مهارگسیخته و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها و خصلت‌های منهدم کننده است، و

دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می‌سازند ... دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است ... دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود:"**وَ یریدُ الَّذینَ یتَّبِعُونَ الشَّهَواتِ أَنْ تَمیلُوا مَیلاً عَظیماً**" (نساء:۲۷)؛ کسانی که مست شهوت و قدرت و پولند، آنها هستند که می‌خواهند همه مردم در حال غفلت باشند. همه مست باشند؛ چون آنها مستند! مسأله این است ... دشمن اسلام کیست؟ جبهه ی استکبار، از صهیونیسم تا آمریکا، تا کمپانی های نفتی، تا قلم به مزدان و روشنفکرانی که برای آنها کار می‌کنند، در سرتاسر جهان مجهزند ... دویست سال استعمار بر سرزمین‌های اسلامی حاکم و مسلط بود؛ امروز هم استکبار جهانی بر بخشی از دنیای اسلام مسلط است ... امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در دهها سالِ قرن گذشته وجود داشت، یك‌قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملتی که این مستکبر می‌خواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون اینکه بدانند، به او کمک کنند ..." (خامنه‌ای۱۳۹۵: ص۲۸-۲۹؛ ۱۳۹۴: ص۳-۸؛ بیانات:۱۴/ ۱۰/ ۱۳۹۴؛۱۲/ ۲/ ۱۳۸۴).

وظیفهٔ دولت در حراست از آزادی ملّت در چهار محور قابل طرح و بررسی است: الف. افزایش توانمندی‌ها؛ ب. تربیت معنوی؛ ج. جهادکبیر؛ د. مبارزهٔ مسلحانه.

۱،۲. افزایش توانمندی‌ها

در قرآن کریم خدای متعال دشمن مؤمنان را در ردیف دشمن خود قرار داده، این دلالت بر مشترک بودن دشمن و نوعی ارزش نهادن و شخصیت دادن خداوند به آنهاست تا به ارزش معنوی و تکلیف الهی خود در برابر دشمنان بیشتر واقف گردند. خدای تعالی می‌فرماید: «**وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُم**» (انفال:۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!.

امام خامنه‌ای می‌فرماید:

همهٔ انبیای عظام الهی آمدند تا زنجیر اطاعت غیر خدا را از دست و گردن مردم باز کنند ... اگر بخواهیم این معارف در فضای عقیدتی جامعه به معنای واقعی کلمه تحقّق پیدا کند، بخواهیم این ارزشها در عمل مردم، در رفتار مردم خودش را نشان بدهد، بخواهیم این احکام که وسیله‌ی پیشرفت و حرکت است، تحقّق پیدا کند، احتیاج به قدرت سیاسی دارد؛ اگر قدرت سیاسی نباشد، قلدرها زیر بار نمی روند، تنبلها انجام نمی دهند، سیاهی‌لشکرِ قلدرها و مستکبرین و پول‌دارها به دنبال آنها حرکت می‌کنند، یعنی آن مقصود نبوّت‌ها حاصل نمی شود ... قوّه اعم است از قوّه‌ی مادّی و معنوی، از قوّه‌ی اقتصادی و نظامی، از قوّه‌ی علمی و اخلاقی ... این کاری است که بایستی انجام بدهیم؛ البتّه آن هم به عهده‌ی خود ماها است؛ یعنی کسی که باید این کار را انجام بدهد، ما مسئولین هستیم؛ مردم به تَبَع ما وارد میدان می‌شوند و کار می‌کنند (بیانات: ۲۱/ ۱۲/ ۱۳۹۹؛ ۲۵/ ۱/ ۱۳۹۷؛ ۲۵/ ۳/ ۱۳۹۵؛ ۲۲/ ۴/ ۱۳۷۱).

۲،۲. تربیت معنوی

کلمهٔ «معنوی» منسوب به معنی، درلغت به معنای باطنی و حقیقی است (معین،۱۳۴۲: ج۳، ص۴۲۴۴). امام خامنه‌ای می‌فرماید:" انسان مجموعه‌ی ابعاد مختلف است؛ غرایز هست، امیال هست، نیازها هست؛ یک بُعد، بُعد معناگرا است ... این بُعد را اگر ما آحاد بشر بتوانیم در خودمان تقویت کنیم، بقیّه‌ی ابعاد ما را هدایت خواهد کرد ... وقتی یك ملت و یك كشور از آرمان‌های اخلاقی و معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست می‌دهد و مثل پَرکاهی می‌شود؛ گاهی به این طرف، گاهی به آن طرف می‌رود، گاهی دست این، گاهی هم دست آن می‌افتد ... دولت اسلامی وظیفه‌شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملّت را؛ تربیت تقوائی کنند این ملّت را ... قرنهاست که معنویت در دنیا رو به افول و ضعف بوده است. پول‌پرستها و سرمایه‌دارها تلاش کرده‌اند که معنویت را از بین ببرند ... می‌گویند:«هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الاالمتقین» (زخرف:۶۷)؛ متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع

در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دلهایشان را برد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد " (بیانات:۲۴ / ۱۲/ ۱۳۹۶؛ ۲۶/ ۲/ ۱۳۷۵؛۱۹ / ۱۱/ ۱۳۹۰؛۱/ ۳/ ۱۳۸۱؛ ۲۲/ ۴/ ۱۳۷۱؛۹/ ۸/ ۱۳۷۹؛۱/ ۳/ ۱۳۸۱).

۳،۲. جهاد کبیر

جهاد در لغت به معنای به کار بردن نهایت کوشش و توان در دفع دشمن است (راغب،۱۴۱۲: ص۲۰۸). امام خامنه‌ای می‌فرماید:" در بین جهادها جهادی هست‌که خدای متعال در قرآن آن را «جهادکبیر» نام نهاده:"**وَجاهِدْهُمْ بِهِ جِهادًا کَبیرًا**" (فرقان:۵۲) ... این آیه در مکّه نازل شده، در مکّه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه میگوید:"**وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهادًا کَبیرًا**".آن کارِ دیگر چیست؟ آن کارِ دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیّت [است.] "فَلا تُطِعِ الکفِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهادًا کَبیرًا"؛ از مشرکین اطاعت نکن ... تبعیّت نکردن درکجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیّت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیّت نکن؛ این شد«جهادکبیر»...[دشمن] می‌خواهندکاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش وکشاندنش به این سَمت و به آن سَمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیّت. اینجا جای همان جهادکبیر است" (بیانات:۳/ ۳/ ۱۳۹۵؛۶/ ۳/ ۱۳۹۵).

۴،۲. مبارزهٔ مسلحانه

در فقه، جهاد به معنای بذل جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر ایمانی است و به دو قسم «ابتدایی» و «دفاعی» تقسیم می‌شود: جهاد ابتدایی از طرف مسلمانان برای دعوت کفار به اسلام صورت می‌گیرد که مشروط به بلوغ، عقل، برده نبودن، مرد بودن و نظایرآن‌ها می‌باشد. جهاد دفاعی، جهادی است که در آن، جمعی از کفار، بر مسلمانان هجوم

آورند و از تهاجم آن‌ها، بر اسلام ترسیده شود، یا آن که دشمن در فکر سلطه بر سرزمین های اسلامی و اسارت زن و فرزند مسلمانان و غارت اموال آنان باشد. (نجفی،۱۴۰۴: ج۲۱ص۳-۱۸). در قرآن کلمة «جهاد» با قید «فی سبیل الله» صفِ «مؤمنان مجاهد» را از صف «طاغوتیان جنگجو» جدا می‌سازد و با وصف «قتال» به مبارزة مسلحانه تعریف می‌شود:

الَّذینَ آمَنُوا یقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ الَّذینَ کَفَرُوا یقاتِلُونَ فی سَبیلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیطانِ إِنَّ کَیدَ الشَّیطانِ کانَ ضَعیفاً" (نساء:۷۶)؛کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند، در راه طاغوت [بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: "همه‌ی تلاش ادیان الهی و سلوک معنوی و سعی پیغمبران و شهادتهای مردان بزرگ خدا برای این است که بشر به سمت خدا حرکت کند، عروج معنوی و کمال انسانی بیابد، با خدا آشنا شود و آینده‌ی خود را که همان مرحله‌ی اساسی حیات بعد از مرگ است و بقیه مقدّمه‌ی آن است، تأمین کند ... هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان بزرگ و والای الهی کند ... این درس بزرگ را شهید، با حضور خود، با کرامت خود، با اجر عظیمی که بدو وعده داده شده است بطور پیوسته به ما که هنوز در پشت حصارهای مادیت و خودپرستی زندانی می‌باشیم، می‌دهد و ما را به جهاد، به هجرت إلی اللّه، به تلاش مخلصانه در راه خدا که همان انجام تکلیف هر زمان و پاسخ به نیاز هر لحظه است، فرامی‌خواند ... انسان‌ها اگر به این صورت تحت فرمان خدا قرارگرفتند، آنوقت است که رحمت پروردگار و لطف بی نهایت او شامل حال آنان خواهد شد، آنوقت است که یک امت به آقایی می‌رسد، آنوقت است که یک ملت به رشـد انسانی می‌رسد، آنوقت است که اسارتها و زنجیرها از دست و پای او باز می‌شود" (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ص۴۷؛ ۱۳۹۵: ص۲۸-۲۹؛ بیانات: ۱۰/ ۸/ ۱۳۷۴؛۸/ ۸/ ۱۴۰۱؛۵/ ۷/ ۱۳۷۷)

نتیجه

از آنچه گذشت موارد ذیل را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. بنا براصل توحید مردم بنده‌ی هیچکس و هیچ چیز جزخدای سبحان نمی باشند. مردم در بندگی و اطاعت انحصاری از خدای تعالی هماهنگ با نظام هستی؛ به صورت فطری و طبیعی در مسیر کمال و سعادت حقیقی خودش قرار می‌گیرند؛

۲. بندگی و اطاعت غیرخدای سبحان بحسب اوضاع گوناگون زمانی و مکانی، در معبود های مختلف تجلّی یافته، و مردم با شیوه‌های گوناگون به عبادت و اطاعت از آنها وادار می‌شوند. بندگی و اطاعت غیرتعالی با سیر نظام وجود و حیات طیبه انسانی هماهنگ و سازگار نیست و جز شرّ و ضرر اثر دیگری ببار نمی آورد؛

۳. آزادی مردم در تقابل با اخلاق، حقوق عمومی و ارزشهای الهی نمی باشد. آزادی ملّت خود یکی از ارزشهای الهی و عطیّه‌ی خدای سبحان به مردم است. خدای تعالی به مردم شخصیت و ارزش و اراده و اختیار داده، تا در نظام الهی و پیمودن راهِ مستقیم؛ حقّ اندیشیدن، تصمیم‌گرفتن، و عمل‌کردن داشته باشند؛

۴. آزادی ملّت شامل همه‌ی انواع آزادی؛ آزادی عقیده، آزادی معنوی و آزادی بیان می‌شود. در نظام الهی، نگاه جامع حقوقی به روابط دولت و ملّت، صورت گرفته است. آزادی از زنجیر اطاعت و پرستش غیر خدای سبحان، حق ملّت و تکلیف الهی دولت می‌باشد؛

۵. وظیفهٔ دولت در آزادی ملّت، تأمین آزادی و حراست از آن می‌باشد. بنا براصل توحید، دولت درآزادی ملّت وظیفه دارد در درجه اول خود از زنجیر اطاعت و پرستش غیرخدای سبحان آزاد باشد و نیز به آزادی مردم ایمان و تعهد داشته باشد؛

۶. آزادی ملّت با تربیت معنوی مردم با جهاد و مبارزه با دشمنان و موانع گوناگون آزادی تحقق می‌یابد. زنجیر اطاعت و پرستش غیر خدای سبحان در صورتی از دست و پای مردم باز می‌شودکه به توحید، ایمان و تعهد داشته باشند؛ تحت ولایت و فرمان الهی و با راهنمای و هدایت امامان هدایت، صراط مستقیم را بپیمایند.

کتابنامه

قرآن کریم.

آخوند، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، **کفایة الأصول**، قم،موسسة آل البیت علیهم‌السلام.

ابن منظور، محمد(۱۴۱۴ق) **لسان العرب**،بیروت، دار صادر.

حکمت نیا، محمود(۱۳۹۰ش) **فلسفه نظام حقوق زن**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خامنه‌ای، علی(امام خامنه‌ای)،((۱۳۹۹ش) **طرح کلی اندیشة اسلامی در قرآن**،گردآوری و تنظیم: صهبا، انتشارات مؤسسة ایمان جهادی.

ـــــــــــ، (۱۳۹۴ش) **دشمن شناسی**،گردآورنده: سیّد امیر پورفاضلی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

ـــــــــــ، (۱۳۹۵ش) **جهاد اقتصادی** - چیستی اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

ـــــــــــ، **نرم افزار حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی**، تهران، موئسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ مرکزتحقیقات کامیوتری علوم اسلامی.

ـــــــــــ، (۱۳۹۷ش)، بیانیه «گام دوم انقلاب»، https://khl.ink/f/41673 (https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=12938&npt=7#59279).

(https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=12938&npt=7#59279).

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷ش)، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ دوم، دانشگاه تهران.

راغب، حسین(۱۴۱۲ش)، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دار القلم.

صدر، محمد باقر،(۱۴۱۷ق)، **دروس فی علم الأصول**، دار المنتظر.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم، دار الثقافة، اول.

طباطبایی، محمد حسین،(۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.

عراقی، ضیاء الدین،(۱۴۱۷ق)، **نهایة الأفکار**، قم، دفترانتشارات اسلامی.

فراهیدی، خلیل(۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، قم، هجرت، دوم.
کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۷۵ش)، **الکافی**،تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳ش)، **در پرتو ولایت**،مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
ـــــــــــ، (۱۳۸۴ش) **آفتاب ولایت**، نگارش محمدباقر حیدری کاشانی، قم، مؤسسة آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مدنی، سید علیخان‌بن احمد(۱۳۸۴ش) **الطراز الأول**، مشهد، مؤسسة آل‌البیت لاحیاء التراث.
معین، محمّد،(۱۳۴۲ش)، **فرهنگ فارسی**، چاپ دوم،تهران: امیرکبیر.
هاشمی، محمود وجمعی از پژوهشگران(۱۴۲۶ش) **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت**علیهم‌السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.